

معامله فضولی:

رابط
وصایت
وکالت

معامله به مال غیر بدون

پس مال نیست

پس نمایند هم نیست.

اصیل (خریدار فضولی، متعامل فضولی)

فضول

مالک مال

معامله فضولی غیر نافذ است

مالک

← اگر معامله فضولی را تنفیذ (اجازه) کنند ← معامله صحیح

← اگر معامله فضولی را رد کنند ← معامله باطل

لازم نیست اجازه یارد، فوری باشد

اگر تأخیر (در اظهار نظر طالب)

موجب تأخیر اصیل بشود

مشاریه (خریدار فصولی) می تواند معامله فصولی را

بهم بزنند ← مانده نلغته نسخ
چون نسخ مخدص عقد صحیح

بنویسد، بگوید، اشاره کنند

صریح

تنفیذ

(اجازه)

ضمنی به مال کاری بلند ماحرف دل

او را بفهمیم.

چه تنفیذ چه رد

اطهر از نظر چه صریح چه ضمنی به وقتی ممکن است که مالک

از معامله قضوی اطلاع پیدا کنند.

اگر بانک بدون اطلاع از معامله قضوی کاری نکند

نه تنفیذ است نه رد

پس معامله قضوی همزمان غیر نافذ

مثال برای تکفیز ضعیف

① با علم به معامله فُضولی، ثمن را از خریدار یا مقول مطالبه کنند.

② با علم به معامله فُضولی، مال را تکوین خریدار بدهند

۳) با علم به معامله فضولی، ^{مالک} معامله را با اصیل امان کنند

یا
معامله فضولی را فسخ کنند

د ← صریح
ضمینی

① یا علم به معامله رضوی

مال را بفروشند
نسبت به مال وصی کنند
مال را وصی کنند

اگر بدون اطلاع از معامله قضوی
مال را منتقل کنند به اهل
قضول
مال

معامله قضوی همچنان غیر نافذ

مال جدید باید کشف یا رد کنند.

اگر بہ اصل مال منتقل کنند

بہ اطلاع از معاملہ قضوی ← رد ضمنی ← معاملہ قضوی باطل

بدون اطلاع از معاملہ قضوی ← معاملہ قضوی باطل

اگر بعداً علوم شود /
خودش مالک بوده
فصول -
از مالک نمایندگی داشته

عامله فصولی ← همچنان عزیز ناقد

درعاملر قفولی

۱۔ ننفیدیا رد ہے تاکم مقام ساد

دکسل ساد

سَلَرَت مَالِک

و لو در مجلس عقد
حاضر باشد

نَه تَنْفِیدُ نَه رَد

بِزِ هِمَّ حَالِه فُضُولِی عَرِ تَقْذِاسَت

=====

اصولاً برای سدوت ارزشی قائل نیستیم.

درمانون اورجی بیجا
استثناء -

اگر مال قبل از منع سرده باشد (منع قبلی مال)

اثر ندارد

باز هم معامله قضوی غیر نافذ است

باطل نیست

زمان تنفیذ مال

زمان عقد

چهارشنبه

شنبه



مانع

یا تنفیذ مال ← عین مال ← از روز تنفیذ به مالکیت اصل درمی آید.

نظر به سبب حلی
مانع ← از روز عقد، به مالکیت خریدار درمی آید.

اگر مالک قبل از تنفیذ یا رد فوت کند

مالکین جدید، می توانند تنفیذ یا رد کنند

در آن مالک می شوند

مثلاً به زوجه ، در عین احوال غیر منقول نمی رسد

احوال منقول ← نقل بقہ درات

ارت ی برے

زومہ =

احوال غیر منقول ←

از عین ارت نمی برد، از قیمت ی برد

بقہ درات باید به او بدهند .

اگر اربابان به صورت فوری فرضه شده

مالک فدت می‌نند

باید تنفیذ یا ردند

۲ پسر

زوجه

باید تنفیذ یا رد به زوجه نمی‌رود

چون مالک نشده

پایه به صورت فصولی معامله شده

مالک فوت کرد

ملا ردند

حسن

تفقدند

حسین

هرس به نسبت سهم خود

می تواند تفقد یا ردند

تستی از معامله صحیح

تستی باطل

اگر بعضی از مالکین مدید، تفقد و بعضی ردند

خریدار (اصل)

حیار تبعض صفت دارد

به شرط این که آدم حسابی باشد

ی تواند معامله را نسبت به
قوت صحت ضعیف کند

یعنی در معامله فوری، از فوری بودن خبر
نداشته

تقسیم ثمن

در معامله ارادی، در ابراه دست نداشته

مرد استناد

حیوه

له انتشار، لباس، شمیر، قرآن

ریتی یک مرد مذکر کند هم می رسد به پسر بزرگ سر

اموال منحصر به این می باشد

معاملات فضولی متعدد نسبت به یک مال (طلولی)

(سلسله وار)

پایه علی ← مال

حسن ← حسین ← رضا ← هادی

فَضْل ۲

فَضْل ۱

فَضْل ۱

اگر ملک با علم به سایر معاملات مغربی، معامله ای را تنفیذ کنند

تنفیذ مصرح

آن معامله صحیح

بعدی ما صحیح

قبلی ما باطل به رد ضعیف

چون تا این جا خودی را ملک می دانند یعنی قبلی ما را قبول ندارند.

اگر بدون علم به سایر حالات قضوی، معاملهای را تنقید کنند

از بقیه خبر نداره

صح

بقیه که همخوان غیر ناقد

که مالت جدید باید تنقید یا رد کنند

حسن ← ~~احسن~~ ← رضا ← هاری

اگر مالک با علم به سایر معاملات قضوی معاملاتی را رد کنند

آن معامله ← باطل ← رد صریح

قبلی ها ← باطل ← رد ضمنی

بعدی ها ← همگیان غیر نافذ

حسن ← حسین ← رضا ← هاری
اگر مالک، بدون اطلاع از سایر معاملات قضوی، معامله‌ای را رد کند

آن معامله ← باطل ← رد صریح

بقیه ← همحضیان غیر شافذ

چون مالک از بقیه معاملات، اطلاع نداشته

درجہ

—————

کتاب

—————

تہ

—————

—————
افلا تفرحوا
—————
—————

حالات متقدم ففول ررضی

علی مالد

زین

کمال

ففول

حسن

حسین

رضا

ماری

معاملات قضوی عرضی

اگر مال با علم به بار معاملات قضوی معامله ای را تنفیذ کند

آن معامله صحیح است تنفیذ صریح

حین
فصل ~~لا~~ رضا
ماری

بقیه رد ضمنی باطل

اگر ماسک بدون اطلاع از سایر محاللات قضایی عرضی ،

محالله ای را ننهند

حسین

رضا

هاری

فصل

آن محالله صریحاً ننهند صریحاً

بقیه محاللات - محضاً غیر نافذ

مالک جدید ، باید ننهند یا رد کنند

معاملات فضلی عرضی

اگر مالک با علم به سایر معاملات فضلی، کتب معامله را رد کنند

آن معامله باطل - رد صریح
فصول ~~حسین~~ رضا

در مورد بقیه حرفی نزده

هاری

له محضان غیر ناقد

معاملات قضوی عرضی

اگر طالب بدون اطلاع از سایر معاملات قضوی، یک معامله را رد کند

حسین
رضی
فصول
ماری

آن معامله باطل، رد صریح

بقیه به دوستان عزیزان

اگر ملک حامله فضولی را تنفیذ کرد

فضول ثمن را گرفته ← ملک باید ثمن را از خریدار (اصلی) مطالبه کند.

← ملک، اخذ ثمن را تنفیذ نکند

که ثمن را از خریدار مطالبه می کند.

خریدار، ثمن اولی را از فضول پس می گیرد.

فضول ثمن را گرفته ←

← ملک اخذ ثمن را هم تنفیذ نکند

ملک باید ثمن را از فضول بگیرد.

مائد

فَظُولُ ثَمَنٍ رَأْمُ رَصَةٍ

✓

✓

معامله فصولی

✓

✗

فَظُولُ ۲
گازر دہ
اخذ ثمن

اگر صبیح مستحق للفقیر درآید

یعنی معامله فضولی
مالک رد کنند - باطل

همیشه می تواند ثمن را از فضل پس بگیرد

خریدار ←

اگر ادم حسابی بود

خرامات را هم
می تواند از فضل پس بگیرد

جاهل به فضولی بودن (حین العقد)

اصل بر این است که علم نداشته

یعنی اگر حسابی بوده

مبيع مستحق للفرض مالک رد کنند
خزیدار هم حاصل به مضوی بودن

زائر وحدت رویه ۸۱۱

غرایب چقدر؟ به دادگاه

لـ عنداللزوم ارجاع امر به کارشناس

برای اس اخذ اسرار محبت احوال مشتبه مبيع از نظر جنس و وصف
(تورم)

۹۷

اکابرِ عمان

۲۰۰۰ سالین

==

۱۴۰۰

اکابرِ عمان

۱/۲۰۰

یک میلیارد افزائی صمیه دانه

==

عزائم

۱۲.۳

۷۷ ملین

۹۷

۷۷ ملین

سکہ

نہیں

غائبات؟ ۶۵

غایات

۱. گاهی است خردار جاهل باشد

علم و جهل فرسند و فضولی هم نیست

صمان درک

معامله قضوی

لے صمع مستحق للقبض دراید

مادر درند، معامله باطل

فرزندہ قضوی ہے صمدی دارد؟ برداندن ثمن

صمان درک

(تلف بیع قبل از قبض)

اگر بیع قبل از قبض تلف شود
غیراً

عقد بیع منفسخ می شود

بایع مسئول دارد ثمن را برگرداند،
بیع ضمائم معاوضی

آنکے جمع قبل از قبضہ توسط ایک آدم

باید مل یا صے
را جای آن بدهد
خریدار
فروشنده
ثابت

کلف شود

عقد سرچایش
عقد منحل نمی شود

